

## مفاهیم عربی و قرآنی در قصاید ناصر خسرو

نعمت اصفهانی عمران\*

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۲۵

سمیره پورزاد\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۳/۲/۷

### چکیده

به سبب انس مسلمانان با قرآن کریم و قرائت و احکام قرآن، تأثیر مفاهیم قرآنی را در شعر شاعران و آثار نویسندگان به طور مستقیم و غیر مستقیم به شیوه های گوناگون تلمیح، اقتباس، و اشاره می توان مشاهده کرد. موضوعی که در آثار شاعران و نویسندگان قرن های چهارم و پنجم فزونی می یابد و اوج این تأثیرپذیری در آثار ناصر خسرو نمایان است. جلوه های آیات قرآنی بکار رفته را در اشعار ناصر خسرو نیز با شاهد و مثال مورد بررسی واقع شده است. ژرفا و گستره و فراوانی نفوذ آیات و عبارات قرآنی در ذهن و زبان او در تار و پود اشعارش دیده می شود، و بدین ترتیب وی تسلط خود را در فهم معانی قرآن مجید آشکار می سازد، و عمل به احکام آن را در اشعار دیوان خود مد نظر قرار داده است. او معتقد است که باید باطن قرآن را بر ظاهر آن ترجیح داد.

کلیدواژگان: قرآن، ناصر خسرو، آیه، حدیث.

Dr.Esfahaniomran@gmail.com

sporzad2014@gmail.com

\* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت (استادیار).

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت.

نویسنده مسؤول: سمیره پورزاد

## مقدمه

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾ (اسراء/۹)

«همین قرآن است که انسان را به استوارترین طریقه هدایت می‌کند و اهل ایمان را که نیکوکار باشد به اجر و ثواب عظیم بشارت دهد»

قرآن وحی تنزیل است و هدایت و رحمت، و در هر زمان و مکانی بهترین رهبر و راهنماست. تخیلات شاعرانه و خیال‌بافی‌های ادیبانه و گرایش‌های مغرضانه ادبی در آن راه ندارد. هیچ کتاب دینی در جهان نیست که مانند قرآن بر علم و دانش اندوزی تأکید داشته باشد، و بر تقوا، فضیلت و کرامت انسانی تکیه کند. با «اقرأ» آغاز می‌شود و انسان را به کمال می‌رساند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کند؛ به صبر و حق و رحمت وصیت می‌کند؛ با ظلم گناه نبرد می‌کند تا عدل و نیکی منزلت و کرامت انسانی به صداقت و صمیمیت در جامعه حکمفرما شود؛ و پیام آن انسان‌سازی و تکامل و بهروزی جامعه انسانی است.

زنده جاویدی است که سیری چون آفتاب دارد «این قرآن مهمانی پروردگار است از آن بیاموزید هر چند بتوانید این قرآن ریسمان خدا؛ نور مبین؛ شفای سودمند و نگهبان کسی است که بدان چنگ زند نجات پیروانش است»؛ این کتاب آسمانی عظیم‌ترین معجزه الهی سرشار از مضامین و مفاهیم متنوع و گوناگون است، که در زندگی ما مسلمانان تأثیر بسزایی داشته است و یکی از بارزترین این تأثیرپذیری در سروده‌های شاعران و آثار نویسندگان مسلمان از رودکی پدر شعر فارسی تا شاعران دوران ما مشاهده می‌شود، و در آینده هم در آثار ادیبان جلوه گر خواهد شد.

مفاهیم قرآنی متنوع و سرشار از طراوتِ تکرار است که بسیاری از آن‌ها در زندگی ما ساری و جاری است و در دعوت خلق به سوی خدا، اطاعت از فرامین پیامبران و اولو الامر و زندگی اخروی خلاصه می‌شوند. در بعضی از آیات قرآن کریم چند مفهوم را می‌توان مشاهده کرد و برای درک و فهم آن‌ها نیاز به مطالعه و تحقیق بیشتر در این زمینه می‌باشد. در آثار شاعران و نویسندگان، قرن پنجم جزو مهم‌ترین قرن‌هاست از این جهت که در این قرن تمایل فوق‌العاده زیادی در بین مردم به آموختن قرآن وجود

داشت. شاعران موظف بودند در مکتب‌خانه‌ها قرآن را خوب یاد بگیرند و حتی آن را حفظ کنند، لذا در نوشته‌های خود به صورت مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر قرآن قرار می‌گرفتند.

در آسمان ادب و عرفان اسلامی ستارگان بسیاری جهان و جهانیان را با تالابوی اندیشه خود منور کرده، و با سحر کلام موزون و آهنگین خود دل‌ها را مفتون و مسحور خود نموده‌اند که یکی از این شاعران ناصر خسرو قبادیانی است.

حکیم ناصر خسرو که به فلسفه افلاطون و فارابی و ابن سینا آشنا بوده، از کودکی به کسب علوم و آداب اشتغال ورزیده و در جوانی به دربار سلاطین راه یافته و به مراتب عالی رسیده تا اینکه تغییر حال یافته و راه کعبه در پیش گرفته، و در این سفر عجایب و غرایب عالم را مشاهده کرده است و با صاحبان ادیان مختلف ملاقات داشته است.

او به زبان عربی کاملاً وارد بوده و شواهدی بر اثبات این حرف در آثار او دیده می‌شود. ناصر خسرو قرآن را مانند میدان خدا می‌داند و معتقد است که باید باطن قرآن را آموخت و به ظاهر آن بسنده نکرد. او به ظاهر قرآن را مانند جسم باطن آن را مانند جان می‌داند.

این مقاله در حقیقت آثار این شاعر و حکیم بزرگ را کنکاش کرده، و تأثیر مفاهیم و آیات قرآنی را با ذکر شاهد مثال عنوان کرده است.

ناصر خسرو در اشعار و کتب خویش معانی قرآن مجید و مضامین و احادیث نبوی و ائمه معصومین را بر طرق گوناگون ایراد کرده است، و تسلط خود را در فهم معانی کتاب مجید از یک سو و نیز استنباط معانی از سخنان بزرگان دین از سوی دیگر آشکار می‌شمارد. وی از قرآن مجید به صورت‌های گوناگون استفاده کرده است و اشارات بسیاری در دیوان او می‌توان یافت که در آن عصر ظلمانی و تاریک مونس‌ی جز قرآن مجید و عمل به احکام آن نداشته است.

استناد ناصر خسرو به قرآن در همه جای دیوانش مشهود است، چه بسا آیات قرآن را تضمین کرده اما وی برای قرآن ظاهری و باطنی یا به تعبیر دیگر صورتی و تأویلی می‌داند: هر که بی تأویل به قرآن دست یازد گمراه است.

قرآن دفتری پوشیده است که زیورش تأویل علی(ع) و قرآن بی دین و تأویل موجب هلاک است.

### شرح احوال و زندگانی ناصر خسرو

ناصر خسرو از فرصت‌هایی که برای دیدن جاهای جدید و تحسین و ستایش کمالات و هنرهای دست و فکر انسان پیش می‌آمد بهره می‌گرفت و لذت می‌برد. در سفرهای چشم‌های تیزبین خود را هم به ساختارهای مادی و اداری که از هر جامعه‌ای بر جای بود، مانند باورهای شعر، شکل آبیاری، سطوح جاده‌ها، در یک جا وضع مالیات بندی، امور استخدامی و سیاست، اجاره دادن دکان‌ها در جای دیگر می‌دوخت. چون از جنبه نظری و فکری دقیق بود و به جزئیات توجه داشت، هیچ چیز از میدان کنجکاوی او بیرون نمی‌افتاد: احساس تجملی ابریشم و حریر را می‌ستود، خرافه‌های محلی را می‌آزمود؛ ترتیبی داد که ضیافت شاهانه‌ای را، از قبل به صورت محرمانه بنگرد، با شاعران محلی جلسه‌های شعرخوانی تشکیل می‌داد.

اما برای ناصر خسرو در زیر همه این شادی‌ها و دلخوشی‌های دنیوی، سائق مبرم‌تری در جریان بود، و آن اشتیاق دردناک او برای یافتن غرض و پاسخی برای این پرسش بود که چرا همه این چیزها وجود دارد(هانسبرگر: ۱۳۸۰: ۱۸-۲۰).

### درون‌مایه اشعار حکیم ناصر خسرو

#### الف. حکمت

ناصر خسرو به تفسیر موضوع بحث آمیز «حکیم» نیز پرداخته و از جمله گفته است: «حکیم آن آزاده‌ای است که به دفاع از داد و راستی، حتی از شاه نیندیشد و فقط حق را بگوید». به حکمت پرداختن ناصر خسرو دلیل داشت: مردم از تاریخ دین و معارف اصلی دینی چندان آگاهی نداشتند، خرافه‌پرستان آدمیان را گیج می‌کردند، جاه طلبان دین را به شعار تبدیل کرده بودند. شاعر رسالت خود و هر فرد روشنفکر را در تلاش آن می‌بیند که جامعه به ماهیت هستی و زندگی آشنا بوده از حقیقت آفرینش و جایگاه انسان و مسایل مهم دیگر شناختی مناسب داشته باشد. حکیم، خواننده و شنونده را به سوی

حکمت تشویق می‌کند. وی این مسأله را با تأکید فراوان به قلم می‌سپارد که حکمت و طمع دشمن یکدیگرند.

### ب. دین

ناصر خسرو از خواننده‌ها و شنیده‌ها و مشاهده‌های خویش به این نتیجه رسیده که راست‌ترین راه، در زندگی راه دین است و به مخلص و پیرو خود راهنمایی می‌کند که به چپ و راست نرود، بلکه به راه راست دین برود: چنان که یکی از ویژگی‌های ممتاز کار ناصر خسرو در زمینه دین است که شاعر آن را وابسته با دانش قلمداد می‌کند. دین و دانش را برای انسان همانند خانه می‌داند. بخش عمده درون‌مایه آثار ناصر خسرو را همین موضوع یعنی دین تشکیل داده است. وی این کار را آگاهانه می‌کرد چراکه نیاز مردم را احساس می‌نمود. یکی از غرض‌های مرکزی و ارزشمند در آثار ناصر خسرو دفاع از شرف خاندان پاک علی(ع) و نشان دادن اهمیت حیاتی راه و روش سرور آن خاندان شریف بوده است.

افزودنی است که ناصر خسرو را بیشتر با عنوان "حیدر" یاد کرده است، به طوری که تاجیکان این ابرمرد را هرگز به نام علی به زبان نمی‌آورند، بلکه اکثراً "علی شیر خدا" "حضرت علی" و گاهی "یا حیدر" می‌گویند.

### ج. پند و اندرز

درباره جایگاه پند و اندرز در ادبیات فارسی و تاجیکی و به ویژه حکیم ناصر خسرو، استاد محمد مهدی رکنی نوشته‌اند: «از پدر شعر دری / ابو عبد الله رودکی تا آخرین فرزند شعر کهن - محمد تقی بهار خراسانی - تمام سخنوران کما بیش به اندرزگویی پرداخته و ابیاتی پندآمیز سروده‌اند، پس اتصاف ناصر خسرو به اندرزگویی نه از این جهت است که چون دیگر شاعران بیتی چند در موضوعات اخلاقی گفته، بلکه توضیح این نکته است که در نظم این شاعر فرزانه آگاهی بخشیدن به انسان و ایراد معانی حکیمانه، عنصر اصلی سخن می‌باشد. اندیشه‌های او آمیزه‌ای از عقاید فلسفی است که به صورت پند و حکمت در اشعارش تجلی کرده است و جوهر بسیاری از سخنانش را تشکیل می‌دهد.»

به گفته خود ناصر خسرو، دفتر اشعارش «پند نامه» است:

گر به پند اندرز رغبت کنی، ای خواجه  
پند نامه است ترا دفتر اشعارش  
ناصر خسرو می گوید که شعر وی کان معانی است مرکب است از پند و اندرز، پند و  
اندرزی که زندگی ساز است و نظیرش تنها در قرآن کریم دیده می شود. پند و اندرز  
حکیم قبادیانی ارزش راست گویی و ارزش دانش اندوزی دارد.

### جهان بینی ناصر خسرو

گروهی معتقدند که ناصر خسرو پس از رفتن به سفر هفت ساله به فاطمیان اعتقادی  
و با اسماعیلیان پیوندی یافته، و با انگیزه پیوستن به دستگاه خلیفه فاطمی و امام این  
طریقت یعنی *المستنصر بالله* به نام قبله عازم مصر شده و به بهانه زیارت خانه کعبه قصد  
دیدار مرکز خلافت فاطمیان کرده است، و وصف تمجیدآمیزی که از مصر و امنیت و  
آبادی آنجا دارد و اینکه آسوده خاطری مردم آن نواحی فراوان سخن می گوید هر دو را  
دلیل اعتقاد گرفته اند و گفته اند برای احراز مقام حجّتی جزیره خراسان تعلیم دیده، و از  
مراتب «مستجیب» و «مأذون» و «داعی» فراتر رفته و پایگاه حجّتی یافته است، و با این  
رتبّت مأمور نشر دعوت در خراسان شده است و این مطالب را گذشته از تصانیفی که در  
همین زمینه تألیف کرده است، در بیشتر اشعار وی که سروده حجّتی اوست می توان دید  
و از آن جمله در قصیدتی به مطلع:

ای خواجه بسی علم و جهان گشته سراسر  
تو بر زمی و از برت این چرخ مدور  
ناصر خسرو در این قصیده از زادن و بالیدن و چهل و دو سال آغاز حیات را چون نبات  
و ستور زیستن، و آنگاه نفس سخنوری جویای خرد شدن و در مقام قیاس بهتر از  
خویشتن جستن و چون و چرا از پیروان مذاهب گوناگون خواستن و عجز و کوری و  
کری هر گروه دیدن، و سپس به هدایت آیاتی از قرآن کریم متذکر دست برتر یزدانی  
شدن و در پی یافتن آن دست سفر دور و دراز گزیدن، و به رنج پیمودن راه های پرخطر  
تن در دادن و سرانجام به مطلوب رسیدن سخن گفته است:

پرسنده همی رفتم از این شهر بدان شهر  
جوینده همی کشتم از بحر بدان بر

ابیات این قصیده بראعت استهلالی است زیبا از دوران کودکی و جوانی و سفر هفت‌ساله، و اضطراب درون و جست‌وجوگری ذهن و چون و چراهای ناصر خسرو و سرانجام نیل او به مقصود و آرام گرفتن خاطر از کنجکاو‌ی‌ها و دست یازیدن‌ها و کوشش‌ها و سپس اشتغال به دعوت، اشتغالی که تمامی دوره سوم زندگی او را در بر گرفته است (قبادیانی، تصحیح دبیر سیاقی، ۱۳۶۹: ۵۴ و ۵۶).

### مفاهیم عربی در قصاید ناصر خسرو

ناصر خسرو در اشعار و کتب خویش معانی قرآن مجید و مضامین احادیث نبوی و ائمه معصومین را به طرق گوناگون آورده است، و تسلط خود را در فهم معانی کتاب مجید از یک سو و نیز استنباط معانی از سخنان بزرگان دین از سوی دیگر آشکار می‌سازد. وی از قرآن مجید به صورت‌های گوناگون استفاده کرده است، و اشارات بسیاری در دیوان او می‌توان یافت که در آن عصر ظلمانی و تاریک در دره یمگان، مونس‌ی جز قرآن مجید و عمل به احکام آن نداشته است:

خواندن فرقان و زهد و علم و عمل  
مونس جان اند هر چهار مرا  
(ناصر خسرو: ۱۱)

و از بیت زیر به روشنی بر می‌آید که حافظ قرآن مجید نیز بوده است:  
مقدم به مرگ و به حشر و حساب  
کتابت ز بر دارم اندر ضمیر  
(همان: ۱۹۰)

ناصر خسرو چون شیعی بوده و مبلغ دین، و نیز حجت فاطمیان در خراسان، از این روی به اخبار و احادیث نبوی خاصه آنچه مربوط به امامت و ولایت حضرت علی (ع) و تعظیم و تکریم فرزندان او است احاطه کم نظیری داشته است، و در اشعار خود از آن‌ها استفاده کرده است (حلبی، ۱۳۸۹: ۱۲۰-۱۲۱).

اینک چند نمونه:

این گور تو چنان که رسول خدای گفت  
یا روضه بهشت است یا کنده سعیر  
۱. که تلمیح است به این حدیث: «إِنَّمَا الْقَبْرُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ».

«... در خبر می‌آید که رسول خدا(ص) گفت: چون مرده را در گور نهند، دو فرشته می‌آیند تا به گور او فرو شوند. و خدای تعالی او را زنده کند تا به صدر و سینه، حیات با او دهد و حواسّ درست. و او را از خدای پرسند و از پیامبران و امامان، اگر جواب صواب دهد، او را گویند: نُم نَوْمَةَ الْعُرُوسِ = بَخُسَبَ چنان که عروس در خوابگاه خود بخسبد. آنگاه فرشته‌ای در گور او گشاید تا نسیم بهشت بر او می‌آید؛ و اگر جواب به صواب ندهد آن فرشته مقمعی [گرزی] از آتش به دست دارد، یکی بر سر او زند، چنان که همه گور آتش بستانند [= بگیرد]، و دری از درهای دوزخ بر گور او گشایند. این است معنی قول رسول(ص) که گفت: «الْقَبْرُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ» و نیز از امام صادق(ع) از نکیر و منکر پرسیدند. گفت: نکیر و منکر به گور کافر در می‌آیند، و حال آن که بشیر و مبشر در گور مؤمن می‌شوند» (رضی، ۱۳۵۹: ۱۵۲/۲).

قصه سلمان شنیدستی و قول مصطفی  
کو ز اهلُ البیت چون شد با زبان پهلوی  
که اشاره است به «إِنَّ سَلْمَانَ مِثْلَ أَهْلِ الْبَيْتِ».

بهشت کافر و زندان مومن  
جهان است، ای به دنیا گشته مفتون  
«الدُّنْيَا سَجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ» که شاعر ظاهراً به سبب شهرت حدیث تصریح به  
اقتباس از قول رسول(ص) نکرده است.

وی گذشته از اقوال پیامبر، از سخنان امیرالمؤمنان علی(ع) نیز بسیار سود برده است:  
قیمت هر کس به قدر علم اوست  
هم‌چنین گفته است امیرالمؤمنین  
«قِيمَةُ امْرِئٍ مَا يَحْسُنُهُ» (رضی، ۱۳۵۹: ۱۵۳/۲).

ای پسر مشغول این دنیاست خلق  
چون به مردار است مشغول این کلاب  
«الدُّنْيَا جِيفَةٌ وَطَلَابُهَا كِلَابٌ» و «الدُّنْيَا جِيفَةٌ فَانِ رَضِيَتْ فَاصْبِرْ عَلَيَّ كِلَابَهَا» (حلبی، ۱۳۷۹: ۱۲۳-۱۲۴).

بدوده رفیقان او را ازی‌را  
سبکبار قصد سبکسار دارد  
که تلمیح به حدیث: «الْأَرْوَاحُ جُنُودٌ مُجَنَّدَةٌ فَمَا تَعَارَفَتْ مِنْهَا تَتَلَفَ وَمَا تَنَآكَرَتْ مِنْهَا اِخْتَلَفَ».

زیور و زیب زنان است مرید و زر و سیم  
مرد این است جز از علم و عمل زیور و زیب  
کی شود عزّ و شرف بر سر تو افسر و تاج  
تا تو مَرِّ علم و خرد را نکنی زیور و زیب؟  
که تلمیح است به حدیث «الذَّهَبُ وَالْحَرِيرُ جُلٌّ عَلَى اِنَاثِ اُمَّتِي وَحَرَامٌ عَلَى ذُكُورِهَا»: «زر و  
حریر بر زنان امت من حلال است و بر مردانش حرام»؛ و نیز تلمیح است به آیات و



احادیث زیادی که در شرافت علم و فضیلت آمده: «وَطَرِيقُ الْجَنَّةِ الْعِلْمُ» هر چیزی را راهی است و راه رسیدن به بهشت علم است.

ای به سوی خویش کرده صورت من زشت  
 من نه چنانم که می‌بری تو گمانم  
 آینه‌ام من اگر تو زشتی زشتم  
 و تو نکویی نکوست سیرت رسانم

که تلمیح است به حدیث «اتَّمَايَعْتُ النَّاسَ عَلَى نِيَاتِهِمْ»: «مردمان بر (پایه) نیات‌شان برانگیخته می‌شوند» (فروزانفر، ۱۳۸۰: ۷۰ و ۲۳۵)؛ نظیر «کولی غربالی به روی گرفته به رفیق خود می‌گفت: مرا چگونه می‌بینی؟ گفت: بدان گونه که تو مرا می‌بینی». نظیر «قِيلَ لِرَجُلٍ: مَا ظَنُّكَ بِأَخِيكَ؟ قَالَ: ظَنِّي بِنَفْسِي»: «مردی را گفتند: گمانت نسبت به برادرت چیست؟ گفت گمانم نسبت به خودم». و نیز این حدیث که می‌گوید: «أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ»: «حال و کار برادرت را بر بهترین آن بنه» (حلبی، ۱۳۷۹: ۱۲۶-۱۲۷).

### قرآن و تأویل در دیوان ناصر خسرو

استناد ناصر خسرو به قرآن در همه جای دیوانش مشهود است. چه بسا آیات قرآن را تضمین کرده، اما وی برای قرآن ظاهری و باطنی یا به تعبیر دیگر صورتی و تأویلی می‌داند. هر که بی تأویل به قرآن دست یازد، گمراه است. قرآن دفتری پوشیده است که زیورش تأویل علی(ع) است و قرآن بی این تأویل موجب هلاک است. تأویل چیست؟ شرح کلمه یا کلامی به گونه‌ای که خلاف ظاهر الفاظ باشد، یا آن شرح از آن الفاظ برنیاید. تأویل پایه برهان گویی اسماعیلیه، خاصه ناصر خسرو است، کتاب «وجه دین» او سرشار از تأویل است. اغلب عقاید و احکام و اعمال شرعی در آن تأویل شده؛ بهشت و دوزخ، حج، ملائکه، ابلیس و جز آن.

ناصر خسرو معتقد است که تأویل زیور قرآن است و هر که بی تأویل به سراغ قرآن برود، چشم راست دینش کور است، و این تأویل به دست علی(ع) است. تأویل قرآن را از او باید آموخت، و هر که جز این کند بر باطل است، متشابهات قرآن را می‌داند و پس از او خاندان او. کسی که خود بخواهد قرآن را بخواند و بفهمد، گویی دانه را با کاه یا گردو را با پوست خورده است. اما تأویلات وی از این قبیل است: بهشت نفس انسان کامل و دوزخ نفس انسان جاهل یا بهشت به حقیقت عقل و دوزخ به حقیقت نادانی است. اعتقاد

به نعمت‌های بهشتی را بهتان به خدا می‌داند. باغ بهشت و خوان پر حلوا و مرغ بریان را به گونه طنزآمیز انکار می‌کند (شعار، ۱۳۷۱: ۹-۱۰).

### تأثیر قرآن و حدیث

در تاریخ ادبیات ایران قرن پنجم هجری جزو مهم‌ترین قرن‌هاست. از این جهت که در این قرن تمایل فوق‌العاده زیادی در بین مردم به آموختن قرآن وجود داشت. شاعران موظف بودند در مکتبخانه‌ها قرآن را خوب یاد بگیرند و حتی آن را حفظ کنند. لذا در نوشته‌های خود به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم تحت تأثیر قرآن قرار می‌گرفتند.

ناصرخسرو نیز تسلط کاملی بر قرآن داشته است. او در این باره می‌گوید:

پیش آر قرآن و برس از من  
بنکوه مرا اگر ندانم  
از مشکل و شرحش و معانی  
به زان که تویی بی خرد بر آنی  
(موسوی، ۱۳۸۳: ۳۱-۳۲)

او به زبان عربی کاملاً وارد بود و شواهدی برای اثبات این حرف در آثار او دیده می‌شود (همان: ۳۳).

در بیت زیر:

هیچ مکن ای پسر ز دهر گله  
زانکه ز وی شکر هست هزار مرا  
(دیوان، ج ۲: ۶۲)

اشاره است به حدیث: «دهر را ناسزا مگوئید زیرا خدا همان دهر است».

حدیث دیگر: «فرزند آدم، مرا با دشنام به روزگار آزار می‌دهد و من همان دهر هستم، کارها به دست من است و روز و شب را بر می‌گردانم».

و نیز بیت زیر:

خوبستن را از اهل بیت مصطفی گردان به دین  
دل مکن مشغول اگر با دینی، از بی گیسوی  
(دیوان: ۱۶۴)

و نیز بیت عربی از متن‌بی:

لا بقومی شرفت بل شرفوا بی  
و بنفسی فخرت لا بجدودی  
(دیوان، ج ۲: ۵۵)

## آیات قرآن در قصاید ناصر خسرو

### مفهوم وحدت

«واحد» و «کثیر» و نیز «قدیم» از اصطلاحات فلسفی است. «الواحد» یکی از صفات خداوند است که در قرآن کریم آمده است. خداوند را «واحد محض» می‌گویند یعنی واحدی که در آن کثرت نیست، به علت آنکه واحدهای دیگر متکثر هستند زیرا چیزی که اطلاق واحد بر آن شود مرکب است از ذات به اضافه صفت وحدت.

بیت زیر:

خداوندی که در وحدت قدیم است از همه اشیا

نه اندر وحدتش کثرت، نه مُحدث زین همه تنها

(دیوان، ج ۱: ۱)

اقتباس است به بخشی از آیه:

﴿قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ  
لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ  
جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهُ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾

(رعد/۱۶)

ای رسول ما از این مشرکان باز پرس که آفریننده آسمان‌ها و زمین کیست؟ اگر آن‌ها از جهل و عناد پاسخ ندهند بگو خداست آفریننده عالم پس شما خدا را گذارده غیر خدا «مانند بتان و فرعونان» را برای نگهبانی و یاری خود برگرفتید در صورتی که آنها بر سود و زیان خود هم قادر نیستند، آنگاه بگو آیا چشم نابینای جاهل و دیده عارف یکسان است یا ظلمات شرک و بت پرستی با نور معرفت و خداپرستی مساوی است؟ یا آنکه این مشرکان شریکانی برای خدا یافتند که آن‌ها هم مانند خدا چیزی خلق کردند و مشرکان را خلق خدا و خلق شریکان خدا مشتبه گردید؟ بلکه هرگز چنین نیست، تنها خدا خالق هر چیز است و او خدای یکتایی است که همه عالم مقهور اراده اوست.

### مفهوم ابداع و ارتباط آن با کلمه «گن»

ناصرخسرو «ابداع» و «اختراع» را در یک چیز می‌داند و آن را با «خلق» فرق می‌گذارد. آنجا که می‌گوید: «ابداع گویند و اختراع گویند مر پدید آوردن چیز را نه از چیز، و خلق گویند یعنی آفریدن هر تقدیر چیز را از چیز، چنانکه درودگر از چوب، تخت کند و او خالق تخت باشد».

مفسران گفته‌اند یعنی قدما برای تکوین یک چیز حفظ و یک کلمه است که عبارت است از «گن»، و آن به اندازه یک چشم بر هم زدن است.

بیت زیر:

مکن هرگز بُد و فعلی اضافه گر خرد داری

بجز ابداع یک مُبدع کلمح العین أو أدنی

(دیوان، ج ۱: ۲)

اقتباس از آیه:

﴿وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ﴾ (قمر/۵)

«و نیست فرمان ما مگر یکی همچون نگرستن به چشم».

و نیز ابیات:

فعل نخستین ز کاف رفت سوی نون

چون شناسی که از نخست به ابداع

(دیوان: ۲۳۴)

### مفهوم چشم خرد در سرای دنیا

امروز جای خویش، چه باید بصر مرا

گر من در این سرای نبینم در آن سرای

(دیوان، ج ۱: ۹۱)

اقتباس است از آیه:

﴿وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا﴾ (اسراء/۷)

«و کسی که در این دنیا نابینا باشد او در آخرت هم نابینا و راه گم کرده

خواهد بود».

## مفهوم ذوالقرنین

بعضی می‌گویند چون به شرق و غرب عالم مسافرت ذوالقرنین نامیده شده است، و بعضی او را پیغمبر و بعضی او را فرد صالحی معرفی کرده‌اند که قوم خود را به تقوا سفارش می‌کرد، بعضی او را اسکندر و برخی او را کورش کبیر می‌دانند، که به هر حال کسی بود که به داد محرومان می‌رسید، مردم از دست یاجوج و ماجوج به او شکایت بردند، برای جلوگیری از فساد و خونریزی آن دو سدی میان آن‌ها بست تا مردم آن سرزمین از شر آن‌ها نجات یابند.

بیت زیر:

سوراخ شده است سدّ یاجوج  
یک چند حذر کن ای بردار  
(دیوان، ج ۱: ۵۲۶)

اشاره است به آیه:

﴿قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ  
تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا﴾ (کهف/۹۴)

«آنان گفتند: ای ذوالقرنین، قومی به نام یاجوج و ماجوج در این سرزمین (پشت این کوه) فساد و خونریزی و وحشی‌گری بسیار می‌کنند، آیا چنانچه ما خرج آن را به عهده گیریم سوی میان ما و آن‌ها می‌بندی (که ما از شر آنان آسوده شویم)؟»

## نتیجه بحث

مفاهیم قرآنی متنوع و سرشار از طراوت و تکرار است که بسیاری از آن‌ها در زندگی ما ساری و جاری است، که در دعوت خلق به سوی خدا، اطاعت از فرامین پیامبران و اولو الامر و زندگی اخروی خلاصه می‌شوند؛ در بعضی از آیات قرآن کریم چند مفهوم را می‌توان دریافت.

این مفاهیم و مضامین در زندگی و رفتار ما مسلمانان تأثیر چشمگیری داشته و دارند، و یکی از بارزترین این تأثیرپذیری را در سروده‌های شاعران و آثار نویسندگان مسلمان می‌توان مشاهده کرد. برای درک و فهم آن‌ها نیاز به مطالعه و تحقیق بیشتر در

این زمینه می‌باشد که در آثار شاعران و نویسندگان قرن‌های چهارم و پنجم از این مفاهیم فزونی پیدا می‌کند تا آن که در قصاید ناصر خسرو به زیبایی هرچه تمام‌تر جلوه‌گری می‌نماید.

از سوی دیگر در قصاید ناصر خسرو و مفاهیم قرآنی تجلی و بازتاب خوبی داشته است. همان‌طور که گفته شد در درون‌مایه اشعار حکیم ناصر خسرو حکمت، دین، پند و اندرز، نکوهش مدح و طمع، و هزل و غزل به وفور یافت می‌شود.

ناصر خسرو تحت تأثیر نوشته‌های قرن‌های اولیه اسلامی بوده است نکته قابل تأمل آن، اینکه بیشترین جنبه‌های تأویلی در کتاب وجه دین صورت گرفته است. از نکته‌های مهمی که در آثار ناصر خسرو مورد تأویل قرار گرفته‌اند. بیش از همه به انسان، مراتب و درجات روحانی و عقل توجه شده است.

باز نکته‌های قابل تأمل آن به رغم کاربرد گسترده مفاهیم قرآنی و مضامین احادیث نبوی و ائمه معصومین به روش‌های گوناگون در قصاید ناصر خسرو شاهد آن هستیم. ناصر خسرو تسلط خود را در فهم معانی کتاب مجید از یک سو، و نیز استنباط معانی از سخنان بزرگان دین از سوی دیگر آشکار می‌سازد. با توجه به تحقیق انجام شده قالب‌های کاربردی اقتباس، اشاره، تلمیح، ترجمه، تضمین از دیگر شکل‌های کاربردی بیشتر در قصاید ناصر خسرو استفاده شده است.

## کتابنامه

### قرآن کریم.

آتشی، منوچهر. ۱۳۸۸، ناصر خسرو سرگشته جهان و تبعیدی یمگان. چاپ اول، تهران: آهنگ دیگر.

حلبی، علی اکبر. ۱۳۷۹، تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، ویرایش دوم، تهران: اساطیر.

حاجتی، محمد حسین. ۱۳۸۹، شعر زهد و طاعت: گزیده اشعار ناصر خسرو، مشهد: شاملو.

دشتی، علی. ۱۳۷۹، تصویری از ناصر خسرو، به کوشش مهدی ماحوزی. تهران: قلم آشنا.

شعار، جعفر. ۱۳۷۲، گزیده اشعار ناصر خسرو، زیر نظر دکتر حسن انوری، تهران.

قبادیانی، ناصر خسرو. ۱۳۶۱، دیوان اشعار، به ضمیمه روشنائی نامه، سعادت نامه، مقطعات و ابیات متفرقه، از روی نسخه تصحیح شده مرحوم تقی زاده، تهران: چکامه.

کزازی، میر جلال الدین. ۱۳۷۳، زیباشناسی سخن پارسی (۳). تهران: مرکز.

موسوی، ماریا. ۱۳۸۵، ناصر خسرو (مشاهیر ایرانی). تهران: تیرگان.

همایی، جلال الدین. ۱۳۶۸، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: هما.

یوسفی، غلامحسین. ۱۳۶۹، چشمه روشن، تهران: علمی.

## مقالات

گودرزی، محمد و محمدرضا ساکی. بهار ۱۳۹۰، «روزگار، خرد و جهل از دیدگاه ناصر خسرو قبادیانی و احمد شوقی»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، دوره ۵، شماره ۱۷: صص ۸۹-۱۰۹.